

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه

عباس کریمی*

رضا شکوهی زاده**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۴

DOI: 10.22096/law.2019.70028.1136

چکیده

به صورت سنتی، در تحقق اعتبار امر مختومه، وحدت موضوع، طرفین و سبب دعوا شرط دانسته می‌شود. در حقوق فرانسه، این شرط به صراحت در ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی پیش‌بینی شده است. با این حال، دیوان کشور فرانسه در سال ۲۰۰۶ با صدور رأی اصراری، موسوم به رأی سزارو، وحدت سبب را از شرایط تحقق اعتبار امر مختومه خارج نمود. در پی صدور این رأی، اصلی با عنوان «اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا» بر آیین دادرسی مدنی فرانسه حاکم شد. در حقوق ایران به‌رغم آنکه دکترین، تردیدی در شرط بودن وحدت سبب در تحقق اعتبار امر مختومه ندارد، اما در قوانین موضوعه، نشانی از این شرط نیست. رویه قضایی نیز اغلب با نگاه به قوانین موضوعه، وحدت سبب را در تحقق اعتبار امر مختومه ملحوظ ننموده است. پیدایش اصل تجمیع اسباب موجهه در حقوق فرانسه و بحث‌های انتقادی ناظر بر آن، فرصت جدیدی برای تحلیل این موضوع در حقوق ایران ایجاد نموده است.

واژگان کلیدی: سبب دعوا؛ موضوع دعوا؛ ادله اثبات دعوا؛ اصل تجمیع اسباب موجهه؛ اصل تجمیع دعاوی؛ اصل کفایت.

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. «نویسنده مسئول» Email: abkarimi@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: rshokoohizadeh@ut.ac.ir



مقدمه

اتحاد سبب (Unicité de Cause) در کنار اتحاد طرفین و موضوع دعوا، در ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه، یکی از شرایط تحقق اعتبار امر مختومه قلمداد شده است. حقوق دانان فرانسوی از شرایط مقرر در این ماده، به عنوان وحدت سه گانه (Triple Identité) یاد می نمایند. (Croze et Morel, 1988: 76) این ماده مقرر می دارد: «اعتبار امر مختومه صرفاً نسبت به امری که موضوع رأی دادگاه است، جریان می یابد. باید موضوع دعوا واحد باشد؛ دعوا مبتنی بر سبب واحدی باشد و دعوا میان اشخاص واحدی که براساس سمت واحدی در دعوا دخالت نموده اند، جریان داشته باشد.» بنابراین، اگر کسی مالی را به عنوان میراث مطالبه کند، پس از محکوم شدن، دوباره همان مال را به این عنوان که متوفای به سود او وصیت کرده است، از وارثان بخواهد، دعوای دوم با مانع اعتبار امر مختومه مواجه نمی شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۲) تحقق اعتبار امر مختومه براساس اتحاد سبب، نسبت به خواننده نیز مؤثر است؛ به این معنا که، خواننده نیز در صورت محکومیت در دعوا، می تواند براساس سبب متفاوتی اقدام به طرح دعوای دیگری برای اثبات بی اعتباری ادعای خواهان نماید؛ برای مثال، اگر خواننده در مقابل ادعای خواهان در رابطه با اجرای قرارداد، به مرور زمان استناد نماید، اما این دفاع مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفته و در نتیجه، محکوم به اجرای قرارداد شود، می تواند پس از آن با طرح دعوای بطلان، اعتبار آن قرارداد را زیر سؤال برد.

اما همواره این احتمال وجود دارد که خواننده برای ایجاد تأخیر در رسیدگی، همه دفاعیات خود را در مقابل دعوای خواهان مطرح ننماید؛ از سوی دیگر، شرط اتحاد سبب در تحقق اعتبار امر مختومه، می تواند باعث بی توجهی خواهان به ارائه تمامی اسبابی شود که در اختیار دارد؛ چراکه خواهان با اطمینان از امکان طرح مجدد دعوا، می تواند بخشی از اسباب دعوا را مکتوم نگاه داشته و دادرسی را محدود به اسباب خاصی نماید. همین ملاحظات باعث شده است تا در سال ۲۰۰۶ دیوان کشور فرانسه در رأی اصراری موسوم به «سزارو» (Cesareo)، طرفین دعوا را ملزم به استناد به تمام اسباب موجهه در ضمن یک دادرسی نماید. مطابق این رأی که مفاد آن توسط حقوق دانان فرانسوی، به «اصل تجمیع اسباب موجهه»

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۳

(Guinchard & et al, 2014: 771) تعبیر شده است، (Principe de Concentration de Moyens) با تعیین تکلیف دعوا، محکوم علیه نمی‌تواند به استناد اسباب جدید، همان دعوا را مجدداً مطرح نماید.

لازم به ذکر است، معادل لغوی اصل ابداع شده توسط رویه قضایی فرانسه، اصل تجمیع جهات است. اما شاید به‌کارگیری اصطلاح «جهت» در این معنا گمراه‌کننده باشد؛ چراکه «جهت»، به اموری اشاره دارد که خواهان برای اثبات سبب دعوا یا خوانده برای توجیه دفاعیات خود مطرح می‌نمایند. البته همین «جهت» است که مبنای سبب را تشکیل می‌دهد؛ به تعبیری، جهت یا جهاتی که خواهان مورد استناد قرار می‌دهد، با لحاظ دفاعیات خوانده، مبنای سبب دعوا است. (شمس، ۱۳۹۳: ۱۰) نزدیکی معنایی اصطلاحات جهت و سبب به‌حدی است که گاهی این دو اصطلاح به‌جای هم به‌کار می‌رود و برخی اساتید در حقوق ایران، اصطلاح جهت را غیرمتمم و به همان مفهوم سبب دانسته‌اند؛ (شمس، ۱۳۸۱: ۲ / ۴۸) علاوه بر این، از آنجاکه اجرای اصل تجمیع اسباب، در قلمروی اعتبار امر قضاوت شده مؤثر است، لازم است از سبب سخن به میان آید و نه جهت؛ چراکه وحدت سبب از شرایط تحقق اعتبار امر قضاوت شده است؛ به تعبیر دیگر، در تحقق قاعده اعتبار امر مختومه، سخنی از وحدت جهات مورد استناد در دو دعوا، به میان نمی‌آید، بلکه بحث اتحاد سبب مطرح است.^۱

۱. شاید در یک مثال، تمایز اصطلاحات جهت، سبب و موضوع دعوی قابل تبیین باشد. در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی به استناد یک مبیعه‌نامه عادی، جهت موضوعی دعوا، وقوع عقد، جهت حکمی دعوا مواد ۱۸۳ و ۱۹۰ قانون مدنی، سبب دعوا جمع جهات موضوعی و حکمی دعوا و موضوع دعوا، الزام به تنظیم سند رسمی است. خوانده ممکن است براساس اسباب متفاوت، در مقابل این دعوا، اقدام به طرح دفاع ماهوی نماید. فسخ قرارداد موردنظر سببی است که ممکن است مبتنی بر جهات گوناگون باشد، همچون خیار غبن یا خیار شرط. بطلان قرارداد نیز سبب دیگری است که ممکن است مستند به جهاتی همچون اشتباه در موضوع معامله یا صوری بودن آن باشد. به این ترتیب، یک دعوا، ممکن است مبتنی بر اسباب متعدد شود. هر سبب نیز می‌تواند مبتنی بر جهات گوناگون شود. جهت دعوا هم ممکن است مبتنی بر ادله متعدد باشد. در مثال فوق، انعقاد قرارداد به‌عنوان جهت موضوعی دعوا، ممکن است مبتنی بر سند عادی یا شهادت شهود شود.

۱- مفاد اصل تجميع اسباب موجهه

همواره از میان شرایط تحقق اعتبار امر مختومه، وحدت سبب بیشترین مناقشه و بحث را در دکتین و رویه قضایی به همراه داشته است. در نظام قضایی فرانسه، مفهوم وحدت در سبب دعوا، دچار تحولات عمیقی در سال‌های اخیر شده است. همان‌گونه که ذکر شد، مطابق ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه، اعتبار امر مختومه در رابطه با دعوایی که مبتنی بر سببی متفاوت از سبب دعوایی است که در گذشته مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گرفته، جایی ندارد. برای مدت‌ها، رویه قضایی و دکتین فرانسه بر این استوار بود که تغییر در مبنای حقوقی دعوا (Fondement Juridique)، برای تغییر سبب دعوا کفایت می‌کند. بنابراین، طرح مجدد یک دعوا بین همان شخص و در رابطه با همان موضوع، با مانع صدور قرار عدم استماع دعوا (Fin de non-Recevoir) مواجه نمی‌شود، مشروط بر آنکه این دعوا براساس یک مبنای حقوقی جدید مطرح شده باشد.

در سال ۱۹۹۴ هیئت عمومی اصراری دیوان کشور فرانسه، براساس مفاد ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه و نظریات موتولسکی،^۱ بر لزوم تحقق وحدت سه‌گانه طرفین، موضوع و سبب برای اعمال قاعده اعتبار امر مختومه تأکید نمود. به موجب این رأی، چنانچه در یک دادرسی، ادعای خواهان مبنی بر بطلان قرارداد به جهت عیب اراده محکوم به رد شود، خواهان می‌تواند در دعوی دیگر، براساس فقدان ثمن واقعی، خواستار بطلان قرارداد شود. (دیوان کشور فرانسه، ۳ ژوئن ۱۹۹۴) اما دادگاه‌های فرانسه تنها برای دوازده سال ملزم بودند تا

۱. (Henry Motulsky) استاد فرانسوی حقوق خصوصی، متوفا به سال ۱۹۷۱؛ او آثار متعددی در دادرسی مدنی دارد. در سال ۱۹۶۲ او به همراه ژرارد کورنو به ریاست کمیسیون اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه منصوب شد. نتیجه کار این کمیسیون در سال ۱۹۷۵، تبدیل به قانون جدید آیین دادرسی مدنی شد. نظریه محوری او در دادرسی مدنی، تفکیک میان وظایف طرفین دعوا در ارائه جهات موضوعی و تکلیف دادرس در تطبیق جهات حکمی با جهات مزبور است. البته این نظریه، در قانون فوق، با ایجاد تکلیف برای طرفین در استناد به جهات حکمی، تا حد زیادی نادیده گرفته شد. اما به هر حال، جایگاه اصل تناظر به‌عنوان هسته اصلی آیین دادرسی مدنی فرانسه را از دستاوردهای موتولسکی می‌دانند. (Guinchard & et al., 2014: 771) در آثار دادرسی مدنی به زبان فارسی نیز به نظریات موتولسکی اشاره شده است. نك: (شمس، ۱۳۸۱: ۱/۴۸۷)

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۵

براساس این رأی عمل کنند؛ چراکه رأی هیئت عمومی اصراری^۱ دیوان کشور فرانسه به تاریخ ۷ ژوئیه ۲۰۰۶، موضعی مخالف این سابقه اتخاذ نمود. این رأی مقرر نمود که استناد به یک مبنای حقوقی جدید نمی‌تواند موجب یک سبب جدید برای دعوا باشد. در نتیجه، دعوایی که با مبنای حقوقی جدید اقامه می‌شود، با مانع اعتبار امر مختومه برخورد می‌نماید. (Guinchard & et al., 2014: 769)

صدور این رأی باعث شد میان مفهوم سبب در رابطه با اصل تسلط طرفین بر امور موضوعی دعوا، از سبب مورد نظر ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه خط فاصل مشخصی ترسیم شود. به این ترتیب، سبب مجموعه‌ای از امور موضوعی تلقی می‌شود که می‌تواند مورد بررسی قاضی قرار گیرد، نه الزاماً آن موضوعی که توسط دادگاه توصیف حقوقی (Qualifier en Droit) شده است. نتیجه اعمال این نظریه در رویه قضایی آن بود که قضات به آسانی می‌توانند میان دو دعوا، وحدت سبب را احراز نموده و به این ترتیب، به استناد تحقق اعتبار امر مختومه، دعوی جدید را محکوم به عدم استماع نمایند.

۱-۱- تحولات رویه قضایی فرانسه

تحول در رویه قضایی فرانسه را در رابطه با مفهوم وحدت سبب، می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:

۱-۱-۱- موضع سنتی رویه قضایی

برای مدت‌ها و به‌طور خاص با صدور رأی هیئت عمومی اصراری دیوان کشور در ۳ ژوئن ۱۹۹۴، رویه قضایی با توسل به مفهوم سبب در ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه، مفهوم سبب

۱. اختیارات و تکالیف هیئت عمومی وحدت رویه دیوان کشور فرانسه (Chambre Réunies) به هیئت عمومی اصراری دیوان کشور (Assemblée Plénière) واگذار شده است. بنابراین، در حال حاضر، آرای هیئت عمومی اصراری، برای دادگاه‌های فرانسه، الزام‌آور است.

Sec: Larguier & et al., 2010: 25

۲. مطابق این رأی، رد دعوی بطلان قرارداد به استناد عیب رضا، مانع طرح مجدد دعوی بطلان به استناد عدم وجود ثمن واقعی در معامله، نخواهد بود.

رأی (Cause de Jugement) را از سبب دعوا (Cause de demande) تفکیک می‌نمود. در این دیدگاه، سبب دعوا عبارت بود از تمام استدلال‌هایی که طرفین برای اثبات ادعای خود به آن استناد می‌نمایند، اما سبب رأی، امور حکمی و موضوعی تلقی می‌شد که قاضی در صدور رأی به آن استناد نموده است. در واقع، این تفسیر منطبق بر عنوان قاعده نیز است؛ تنها اموری مشمول قاعده «اعتبار امر قضاوت شده» قرار می‌گیرد که به واقع «قضاوت شده» باشد و نه تمام اموری که خواهان در دادخواست ذکر نموده و یا می‌توانسته در جریان دادرسی مورد استناد قرار دهد. (De Leval, 2005: 249) براساس این تقسیم‌بندی، چنانچه مبنای حقوقی دعوای جدید، امری باشد که در رأی قطعی مورد استناد قرار نگرفته است، دعوای جدید با مانع اعتبار امر مختومه مواجه نمی‌شود. این نظریه، به صورت عینی بخت خواهان را برای طرح مجدد دعوا افزایش می‌داد.

مطابق همین نظریه، طرح دعوای متعدد برای اثبات نسب طبیعی، موضوع ماده ۳۴۰ قانون مدنی فرانسه، به استناد دلایل متفاوت، با مانع اعتبار امر مختومه برخورد نمی‌کرد. (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۵) رویه قضایی فرانسه، موضع مشابهی در خصوص طرح دعوای مسئولیت مدنی براساس مبنای حقوقی متفاوت اتخاذ نموده است؛ همچنین انصراف قراردادی از طرح دعوای بطلان به استناد تدلیس، مانع مطالبه خسارت، به استناد مقررات عام مسئولیت مدنی محسوب نمی‌شد. (شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه، ۱۸ اکتبر ۱۹۹۴) در همین مقطع زمانی، رویه قضایی فرانسه، طرح اسباب متفاوت برای بطلان قرارداد را در ضمن دعوای متعدد، امکان‌پذیر می‌دانست.^۱

۲-۱-۱- رویه قضایی بعد از رأی سزارو

اما رویه قضایی فرانسه دچار تحول بزرگی شد. در طول یک دهه (منتهی به تاریخ صدور رأی سزارو) آرای صادر شد که برداشت موسعی از مفهوم سبب دعوا داشت؛ تفسیری که

۱. برای مثال، رد ادعای بطلان قرارداد به استناد نقض مقررات امری ناظر بر معاملات شرکت‌های تجاری با مدیران، مانع طرح ادعای فسخ قرارداد به استناد نقض شروط ضمن قرارداد تلقی نشده است. (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه،

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۷

امکان طرح مجدد یک دعوا را به صورت قابل توجهی کاهش می‌داد.^۱ علاوه بر این، رویه قضایی به این نتیجه رسید که کشف عناصر موضوعی که از قبل وجود داشته، پس از صدور رأی، باعث تجویز طرح مجدد دعوا نمی‌شود، هرچند که کشف عناصر مورد نظر، بالقوه عامل تغییر نتیجه دعوا به نفع یکی از طرفین باشد. (شعبه دوم مدنی دیوان کشور، ۱۷ فوریه ۱۹۷۹) البته تحقق چنین شرایطی می‌تواند از اسباب طرح تقاضای اعاده دادرسی باشد. (شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۲۱ مارس ۱۹۷۹) در نهایت، هیئت عمومی اصراری در ۷ ژوئیه ۲۰۰۶، در تصمیمی موسوم به «سزارو»، برخلاف رویه سابق خود، مقرر نمود که طرفین دعوا، باید در جریان رسیدگی به دعوا، به تمامی جهاتی که می‌تواند به اثبات ادعای آنان کمک نماید، استناد نمایند. در غیر این صورت، صرف تغییر مبنای حقوقی دعوا، برای ایجاد سبب جدید کفایت نمی‌کند. در نتیجه شکل‌گیری این رویه قضایی، حقوق دانان و وکلای فرانسوی به این نتیجه رسیدند که اصلی با عنوان اصل تجمیع اسباب موجهه در دادرسی مدنی فرانسه قابل شناسایی است. (Grandjean, 2014: 21) پس از آن رعایت این اصل در دادرسی‌های داورری نیز ضروری اعلام شد. (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۲ آوریل ۲۰۱۲ و شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲) (Guinchard & et al., 2014: 771)

۲-۱- انتقادات وارد بر اصل تجمیع اسباب موجهه

برخی حقوق دانان سعی دارند تا اصل تجمیع اسباب را به نظریات موتولسکی منتسب نمایند. با این حال، مطابق نظریه موتولسکی، در رأی دادگاه تنها اموری از اعتبار امر مختومه برخوردار است که به طور مؤثر نزد قاضی مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته باشد. در این دیدگاه، طرح دعوا براساس سبب جدید، تنها در صورتی مردود است که دادگاه بتواند سوءنیت خواهان در ایجاد تأخیر

۱. برای مثال، دیوان کشور فرانسه، در آرای متعددی (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۲۸ مارس ۱۹۹۵ و شعبه دوم مدنی، ۴ مارس ۲۰۰۴)، عناوین اداره فضولی (Gestion D'affair)، ضمانت شخصی (Garantie Personnelle) و ضمان (Cautionnement) را جهات مختلفی تلقی نموده است، اما در همه موارد سبب دعوا را واحد تلقی نموده و در نتیجه دعوی جدید را محکوم به ایراد اعتبار امر مختومه دانسته است. در همین راستا، رد دعوی کارگر در مطالبه حقوق و مزایای معوقه، مانع از طرح مجدد دعوا براساس نظریه دارا شدن بلاجهت تلقی شده است، هرچند که دعوی ثانوی صرف نظر از هرگونه رابطه قراردادی طرح شده باشد؛ نک: Callé et Dargent, 2017: 535.

در رسیدگی را احراز نماید. در دیدگاه موتولسکی، اعتبار امر مختومه تنها شامل موضوعاتی است که به صورت تناظری مورد رسیدگی قرار گرفته و به صورت عینی رد شده است. مطابق این دیدگاه، اعتبار امر مختومه شامل اموری نمی‌شود که «مورد استناد قرار گرفته، اما توسط قاضی مورد توجه قرار نگرفته است یا مورد توجه قاضی قرار گرفته، اما مورد استناد طرفین قرار نگرفته است.» (Guinchard & et al., 2014: 771) قانونگذار در وضع قواعد حاکم بر دادرسی مدنی اهداف تربیتی ندارد. اصل تجمیع اسباب، مستلزم مجازات پیش از جنایت است. در رویه قضایی فرانسه، از بیم مانورهای تأخیری خواهان یا خوانده، از پیش حق آنان را برای مورد رسیدگی قرار گرفتن تمام اسبابی که در اختیار دارند، نادیده گرفته شده است. از اهداف اصول راهبردی دادرسی، ایجاد قابلیت پیش‌بینی دادرسی (Prévisibilité de Procédure) است. اصل تجمیع اسباب، قابلیت پیش‌بینی نتیجه دعاوی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتیجه دعا، به ذی‌حق بودن طرفین و اسباب موجهه‌ای که در اختیار دارند، بستگی ندارد، بلکه وابسته به بخت آنان در استناد به همه این جهات در اثبات دادرسی واحد است. (Grandjean, 2014: 21)

به این ترتیب، مفاد رأی سزارو، موجد انقطاعی آشکار در مفهوم حقوقی اعتبار امر مختومه - آن‌چنان‌که موتولسکی و پیش از او ویزیو^۱ - در نظر داشته‌اند، شده است. در ذیل به بررسی برخی از ایراداتی می‌پردازیم که بر این اصل وارد شده است.

۱-۲-۱- مغایرت با اصول راهبردی دادرسی

برخی حقوق‌دانان، مفاد اصل تجمیع اسباب را مغایر با اصول راهبردی دادرسی می‌دانند. به اعتقاد آنان نمی‌توان از اصل صداقت آیینی (Principe de Loyauté Procédural) برای توجیه اصل تجمیع اسباب استفاده نمود.^۲ از یک‌سو، این اصل فاقد مبنای قانونی است.

۱. (Henry Vizioz) متوفای سال ۱۹۴۸. رئیس اسبق دانشکده حقوق دانشگاه بوردو. کتاب او با عنوان «مطالعاتی در دادرسی»، جایگاه مهمی در دادرسی مدنی فرانسه دارد.

۲. برخی حقوق‌دانان، از جمله گنشارد، اصل تجمیع اسباب را مبتنی بر اصل صداقت آیینی می‌دانند. به اعتقاد آنان، به موجب اصل صداقت آیینی طرفین دعوی ملزم به بیان حقیقت و تمام حقیقت در دادرسی هستند. بنابراین، عدم استناد به جهاتی که طرفین در اختیار دارند، از مصادیق کتمان حقیقت و مغایر اصل صداقت آیینی است. همین اصل قانونگذار را وامی‌دارد تا ضمانت اجرایی برای کتمان حقیقت در دادرسی در نظر گیرد؛ نک: Guinchard, 2009: 379.

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۹

تازمانی که حقوق موضوعه این اصل را به رسمیت نشناخته است، نمی‌تواند قواعدی حقوقی از آن استخراج کند. هیچ‌یک از مواد قانون آیین دادرسی مدنی، به‌طور مستقیم ضمانت اجرایی برای عدم بیان حقیقت توسط طرفین در نظر نگرفته است. اگر طرفین دادرسی ملزم به بیان تمام حقیقت بودند، باید به دلایل علیه خود نیز استناد می‌کردند. به این ترتیب، مجازات خواهان به دلیل عدم استناد به تمام جهاتی که ممکن است به نفع او باشد، موجب پاداش دادن به خواننده‌ای است که او نیز به جهات مزبور استناد نکرده، به‌رغم اینکه احتمالاً از آن اطلاع داشته است. (Bolard, 2010: 65)

از سوی دیگر، اصل تجمیع اسباب در مغایرت با اصل تسلط طرفین بر امور موضوعی دعوا است. به‌موجب این اصل که از مواد ۴، ۵، ۶ و ۷ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به‌روشنی قابل استنباط است، تعیین محدوده موضوعی دادرسی، به‌طور مطلق، در اختیار طرفین دعوا است. بنابراین، خواهان آزاد است تا تمام جهات موضوعی دعوا را در اختیار دادگاه قرار ندهد. به‌علاوه، همان‌گونه که دیوان کشور فرانسه مقرر نموده است، الزام طرفین به ارائه تمام امور موضوعی توسط دادگاه، به‌موجب اصل حقوق دفاعی (Principe Des Droits de la Défense) ممنوع است. (شعبه اول دیوان کشور فرانسه، ۴ دسامبر ۱۹۷۹) از سوی دیگر، اصل تجمیع اسباب در مغایرت آشکار با تکلیف دادگستری به احقاق حق قرار دارد. اجرای این اصل باعث می‌شود دعاوی که در دادرسی اولیه مطرح نشده، اما سبب آن با دعاوی اولیه واحد است، برای همیشه غیرقابل استماع شود. به همین خاطر، اجرای این اصل، از مصادیق بارز استتکاف از احقاق حق (Déni de Justice) است.

۲-۲-۱- اسباب موجهه قانونی: مشکل مضاعف اصل تجمیع اسباب

حتا اگر مبنایی قانونی بیابیم تا طرفین را ملزم به ابراز همه اسباب موجهه موضوعی نماید، در رابطه با جهات حکمی، اطلاع طرفین از تمام قوانین و مقررات، انتظاری نامعقول است. همان‌گونه که در ضرب‌المثل معروف فرانسوی آمده است، قاضی می‌گوید: «موضوع را به من بده تا قانون را به تو بگویم»؛^۱ حال که به‌موجب اصل تجمیع اسباب موجهه، طرفین تنها برای یک‌بار فرصت استناد به

1. donne-moi le fait, et moi, je te donnerai le droit.

قوانین و مقرراتی را دارند که می‌تواند ادعای آنان را تقویت یا اثبات نماید، نظام قضایی چگونه می‌تواند از اعمال قوانین مربوطه نسبت به دعاوی اطمینان حاصل کند؟ دیوان کشور فرانسه، در رأی مورخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷، قاضی را از الزام به استناد به جهات حکمی دعوا، به ابتکار خود، معاف نموده است. این رأی توسط حقوق‌دانان فرانسوی مورد ایراد و اعتراض بسیار قرار گرفته است. (Gautier, 2008: 317; Deshayes, 2008: 1102; Blondel, 2012: 464) آنان مابه‌ازای تکلیف طرفین به استناد به تمام جهات موضوعی را الزام قاضی به این می‌دانند که رأساً به تمام جهات حکمی قابل اعمال نسبت به دعوا استناد نماید. از این الزام تحت عنوان اصل تکمیل اختیارات قاضی (Principe de Complétude) یاد می‌شود.

۱-۲-۳- اصل تجمیع دعاوی

دو سال پس از صدور رأی سزارو توسط هیئت عمومی اصراری دیوان کشور فرانسه، شعبه اول دیوان کشور فرانسه، تکلیف دیگری را تحت عنوان «اصل تجمیع دعاوی» (Principe de Concentration des Demandes)، برعهده خواهان قرار داد. بر این اساس، خواهان ملزم شد تا «همه دعاوی مبتنی بر سبب واحد را در دادرسی واحد مطرح نماید.» (شعبه اول دیوان کشور فرانسه، ۲۸ مه ۲۰۰۸; Bolard, 2010: 64) خواننده نیز ملزم شد تا در قالب دعاوی متقابل، کلیه دعاوی ناشی از موضوع دعاوی اصلی را وارد دادرسی نماید.

در همین راستا، شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه، ضامن را به‌عنوان خواننده ملزم دانسته است تا در مقابل دعاوی مطالبه وجه، به‌تمامی دعاوی استناد کند که پذیرش آن ممکن است امتناع کلی یا جزئی او را از پرداخت مبلغ موضوع دعوا، توجیه نماید. (شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه، ۶ ژانویه ۲۰۱۰) حقوق‌دانان فرانسوی اعتقاد دارند که در این آراء، مفهوم دعوا (Demande) در عنوان جهت (Moyen) ادغام شده است. در این آراء، ضامن ملزم شده است تا در فرض قصور بانک در اعلام به‌موقع مراتب تأخیر به ضامن، با طرح دعاوی متقابل، از بانک مطالبه خسارت نماید؛ به معنای دیگر، خواننده نه تنها ملزم به استناد به تمام اسبابی شده است که ممکن است در دفاع او مؤثر باشد، بلکه ملزم به طرح کلیه دعاوی است که ممکن است در رابطه با موضوع، قابل طرح باشد؛ علاوه‌براین، شعبه اول مدنی دیوان کشور،

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۱۱

به صراحت اصل تجمیع دعاوی را در رسیدگی‌های داوری نیز لازم‌الاجراء اعلام نموده است. (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۲۸ می ۲۰۰۸) به این ترتیب، رویه قضایی فرانسه، بدون وجود مبنای قانونی یا منطقی، از اصل تجمیع اسباب موجهه به اصل تجمیع دعاوی رسیده است.

انتقادات وارد بر اصل تجمیع دعاوی فراوان است: پذیرش این اصل به گسترش مفهوم «موضوع دعوا» آن‌چنان‌که مدنظر ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه است، به بی‌نهایت می‌انجامد، تاجایی‌که به تحمیل وحدت موضوع در دعوا منتهی می‌شود، بدون اینکه وحدت دعاوی متصور باشد؛ نه تنها مفاد ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه، بلکه هیچ متن قانونی دیگری نیز از این تفسیر حمایت نمی‌کند. در نهایت اینکه رویکرد رویه قضایی مستلزم بی‌توجهی به اصل تسلط طرفین بر امور موضوعی دعوا و آزادی طرفین در تعیین موضوع دعوا است.

با توجه به این انتقادات، در نهایت اصل تجمع دعاوی، توسط رویه قضایی فرانسه به کناری نهاده شد. شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه، در یکی از آرای خود، ضمن پذیرش اصل تجمیع اسباب، وجود اصل تجمیع دعاوی را صریح نفی نموده است.^۱ شعبه سوم دیوان کشور فرانسه نیز در رأی جدید، در فرضی که در دعوی اولیه قرارداد پیمانکاری به درخواست کارفرما ابطال می‌شود، مطالبه عوض تأسیسات احداثی توسط پیمانکار را در دعوی ثانوی ممکن دانسته است. در این رأی آمده است: «قاعده اعتبار امر مختومه، مانع از آن نیست که پیمانکار پرداخت ارزش تأسیسات احداثی را در قالب دعوی ثانوی، مطالبه کند، چراکه او به سبب جدیدی برای اثبات ادعای خود استناد نکرده، بلکه دعوی جدیدی را با موضوع جدید مطرح نموده است.» (شعبه سوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۷ ژوئن ۲۰۱۵؛ Callé et Dargent, 2017: 563)

۱. شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۲۶ مه ۲۰۱۱. در این رأی آمده است: «حتی اگر خواهان ملزم باشد تا در دعوی خود تمام جهاتی را ذکر کند که ممکن است ادعاهای او را تقویت نماید، هیچ چیز او را ملزم نمی‌کند تا در یک دعوا، تمام دعاوی ناشی از یک سبب حقوقی را طرح نماید.» این شعبه، در همین معنا، آرای دیگری نیز صادر نموده است (برای مثال: شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۲).

۱-۲-۴- مغایرت با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

اصل تجمیع اسباب، گاه نتایج آشکارا ناعادلانه‌ای به همراه دارد. (Guinchard & et al., 2014: 773) جالب آن است که دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز رأی سزارو را مغایر تعهدات کشور فرانسه در رعایت موازین حقوق بشر اروپایی تلقی نموده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر، در رأی مورخ ۹ آوریل ۲۰۱۵، اصل تجمیع اسباب را مغایر بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قلمداد نموده است. این دادگاه در رأی مذکور این‌گونه استدلال می‌نماید: «اصل مورد نظر مبنی بر هدفی مشروع است؛ این هدف عبارت است از تضمین اداره خوب دادگستری، تضمین صدور رأی در مهلتی معقول و کاهش خطر مانورهای تأخیری.» (Marais, 2011: 742) اما برخی نویسندگان فرانسوی، اصل تجمیع اسباب را مغایر مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌دانند. به اعتقاد آنان، با لحاظ آنکه در حقوق فرانسه بسیاری از دادرسی‌ها بدون حضور وکیل برگزار می‌شود (دادگاه‌های بخش (Tribunal D'instance) و درجه دوم (Tribunal de Proximité))، نمی‌توان از اشخاص غیرمتخصص انتظار داشت تا به تمام اسباب و جهاتی که ممکن است در اثبات ادعای آنان مؤثر باشد، استناد نمایند. این شرایط، در عمل حق دسترسی به دادرسی منصفانه (Accès à un Tribunal équitable) را که در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است، منتفی می‌سازد. (Donnier, 2015: 2)

۲- آثار اصل تجمیع اسباب موجهه

همان‌گونه که قاعده اعتبار امر مختومه، دارای آثار سلبی و ایجابی است، اصل تجمیع اسباب موجهه نیز آثار سلبی و ایجابی متفاوتی دارد. مهم‌ترین اثر سلبی این اصل را باید جلوگیری از طرح دعوی مجدد براساس اسباب جدید دانست. این محدودیت نسبت به خواهان و خوانده مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پس از آن نوبت به بررسی آثار ایجابی این اصل خواهد رسید.

۲-۱- اثر سلبی (عدم امکان طرح مجدد دعوا)

اثر سلبی اصل تجمیع اسباب موجهه عبارت است از: ممنوعیت طرح مجدد دعوی واحد، براساس اسباب جدید. این ممنوعیت شامل همه طرفین دعوا است. از یک سو خواهان در

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۱۳

صورت محکومیت در دعوا، نمی‌تواند براساس اسباب متفاوت، اقدام به طرح دعوی جدید نماید؛ از سوی دیگر، خواننده در صورت محکومیت در دعوا، نمی‌تواند با استناد به سببی که در دعوی اخیر مورد استناد قرار نگرفته است، اقدام به طرح دعوی دیگری برای اثبات بی‌حقی خواهان نماید.

۲-۱-۱- اثر سلبی نسبت به خواهان

برخی مراجع عالی قضایی فرانسه، بی‌توجه به انتقادات وارد بر اصل تجمیع اسباب، سعی در اعمال هرچه سخت‌گیرانه‌تر اصل تجمیع اسباب دارند. برخی از دیوان کشور فرانسه، در آرای خود مقرر نموده‌اند که طرفین دعوا نمی‌توانند به استناد اینکه بعد از قطعیت یافتن رأی در دعوی اولیه، رویه قضایی تفسیر جدیدی از موضوع دعوا ارائه داده است، موضع جدید رویه قضایی را سبب جدید تلقی نموده و اقدام به طرح مجدد دعوا نمایند. (شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷، شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۵ فوریه ۲۰۰۹ و شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹)

به‌طور عام، این برداشت جدید از قاعده اعتبار امر مختومه که به موجب آرای متعددی در رویه قضایی مورد تأیید قرار گرفته است، (شعبه اول مدنی دیوان کشور، ۱۶ ژانویه ۲۰۰۷، شعبه سوم مدنی دیوان کشور، ۲۵ آوریل ۲۰۰۷) منجر به این حکم می‌شود که دعوی با صدور رأی، از هر جهت، به‌طور قطعی، حل و فصل شده تلقی شود. در نتیجه، طرح مجدد دعوا توسط خواهان، برای همیشه مسدود خواهد بود.

۲-۱-۲- اثر سلبی نسبت به خواننده

دیوان کشور فرانسه، بلافاصله پس از آنکه رأی سزارو صادر شد، بر اعمال این اصل نسبت به خواننده نیز تأکید نمود. (شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه، ۲۰ فوریه ۲۰۰۷) به این ترتیب، خواننده باید در مقابل دعوی خواهان، به تمام جهاتی که در اختیار دارد و ممکن است در رد ادعای خواهان مؤثر باشد، استناد نماید. دیوان کشور فرانسه، این حکم را نه تنها ناظر بر فرضی دانست که خواننده فرصت و امکان استناد به تمام اسباب موضوعی و حکمی را داشته، بلکه آن را نسبت به فرضی نیز اعمال نمود که خواننده به دلیل اقدام در خارج از مهلت یا عدم

رعایت تشریفات دادرسی، امکان استناد به تمام جهات و مستندات را نداشته است. شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، در رأی مورخ اول اکتبر ۲۰۱۴، بر این امر تأکید نمود که عدم استماع دفاعیات خواننده، به دلیل اقدام خارج از موعد، به نامبرده حق اقامه دعوی مجدد را در رابطه با همان موضوع نمی‌دهد. در این پرونده، یک مؤسسه اعتباری، موفق به تحصیل قرار پرداخت (Injonction de Payer) علیه یکی از وام‌گیرندگان می‌شود. واخواهی شخص اخیر، به دلیل اقدام خارج از موعد، رد می‌شود. خواننده پس از آن با انکار امضای خود ذیل سند ابرازی توسط مؤسسه اعتباری، اقدام به طرح دعوا در دادگاه می‌نماید. دادگاه تجدیدنظر دعوی مذکور را به استناد تحقق اعتبار امر مختومه غیر قابل استماع اعلام می‌کند. پس از فرجام‌خواهی از این رأی، دیوان کشور در ابرام حکم صادره، اعلام می‌نماید: «مطابق اصل تجميع اسباب موجهه، خواننده موظف است تا در دعوی اولیه، به کلیه جهاتی که گمان می‌کند ممکن است باعث رد کلی یا جزئی دعوی خواهان شود، استناد نماید.» (Kebir, 2014: 1)

چنین رأی آشکارا مغایر فلسفه وجودی قاعده اعتبار امر مختومه است؛ قاعده‌ای که با هدف جلوگیری از رسیدگی دوباره به اموری وضع شده که قبلاً مورد رسیدگی قرار گرفته است. اعتبار امر مختومه آن‌چنان‌که مدنظر حقوق‌دانانی همچون موتولسکی بوده، مانع از طرح ادعاهایی نمی‌شود که قبلاً مورد بررسی توسط قاضی قرار نگرفته است. (Kebir, 2014: 2) در مقابل، در توجیه این رأی، برخی پذیرش دعوی ثانوی را مستلزم بی‌توجهی به ضمانت اجرای مواعد قانونی دانسته‌اند؛ به این ترتیب که پذیرش این دعوا، در عمل به محکوم‌علیه امکان می‌دهد، دفاعاتی را که نتوانسته در قالب واخواهی مطرح کند، در چارچوب دعوی جدید مطرح کند. به این ترتیب، عدم رعایت موعد واخواهی، در عمل هیچ تأثیری در سرنوشت دعوا نخواهد داشت.

۲-۲- اثر ایجابی

اثر ایجابی اصل تجميع اسباب موجهه عبارت است از لزوم استناد به کلیه جهات حکمی و موضوعی مرتبط با دعوی و تجویز طرح ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر. در ذیل به بررسی این آثار خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱- لزوم استناد به کلیه جهات حکمی و موضوعی مرتبط با دعوا

اثر ایجابی اصل تجمیع اسباب موجهه نسبت به هر دو طرف دعوا جریان دارد. به این ترتیب، نه تنها خواهان ملزم است تا به همه اسباب موجهه دعوی خود استناد نماید، بلکه خوانده نیز باید در دعوی واحد به همه ابزارهای دفاعی که در اختیار دارد، استناد کند. علاوه بر این، اثر ایجابی اصل تجمیع، نه تنها نسبت به اسباب موضوعی جریان دارد، بلکه در رابطه با اسباب حکمی نیز مجرا است.

۲-۲-۲- تجویز طرح ادعای جدید، در مرحله تجدیدنظر

پیش از برقراری اصل تجمیع اسباب موجهه توسط رویه قضایی فرانسه، یکی از آثار ایجابی قاعده اعتبار امر مختومه، عبارت بود از تعیین موارد تجویز طرح ادعای جدید در مرحله تجدیدنظرخواهی؛ توضیح آنکه یکی از معیارهایی که در حقوق فرانسه برای تجویز طرح ادعای جدید در مرحله تجدیدنظرخواهی، مورد استناد قرار می‌گرفت، عبارت بود از ملاحظه شمول قاعده اعتبار امر مختومه، نسبت به ادعای جدید. اگر ادعای مورد نظر، به نحوی با اسباب ارائه شده در دعوا ارتباط داشت که با صدور حکم قطعی نسبت به دعوا، به استناد قاعده اعتبار امر مختومه، تجدیدنظرخواه از طرح آن در دعوی مستقل ممنوع می‌شد، شخص اخیر می‌توانست در ضمن تجدیدنظرخواهی این ادعا را مطرح نماید، هر چند این ادعا، جدید محسوب شود. در مقابل، اگر ادعای جدید از اموری نبود که قاعده اعتبار امر مختومه، مانع طرح آن در دعوایی دیگر شود، امکان طرح آن در مرحله تجدیدنظرخواهی وجود نداشت؛ چون به هر حال، تجدیدنظرخواه می‌توانست در دعوایی دیگر، خواستار بررسی آن ادعا توسط دادگاه شود؛ (شعبه دوم دیوان کشور فرانسه، ۸ دسامبر ۲۰۰۵؛ 41: 2010; Larguier) برای مثال، اگر خواهان در دعوی بدوی با خواسته انحلال قرارداد به جهت فسخ، محکوم به بی‌حقی می‌شد، نمی‌توانست در مرحله تجدیدنظر، ادعای بطلان همان قرارداد را به عنوان ادعای جدید مطرح کند؛ زیرا می‌توانست بعد از رد ادعای فسخ توسط دادگاه، در دعوی دیگر، ادعای بطلان قرارداد را مطرح نماید.

اما با حاکمیت اصل تجمیع اسباب موجهه، به ادعای انحلال قرارداد، فقط یک بار رسیدگی

می‌شود، در نتیجه باید تجدیدنظرخواه را مجاز دانست تا همه ادعاهایی را که مرتبط با موضوع دعوا می‌داند، صرف‌نظر از اینکه از موارد تجویز شده برای طرح ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر باشد یا خیر، (ماده ۵۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه و ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی ایران) در دادرسی واحد مطرح نماید.

۳- تعدیل اصل تجمیع توسط رویه قضایی فرانسه

انتقاداتی که توسط دکترین و فعالان مشاغل قضایی نسبت به اصل تجمیع جهات مطرح شد، (Charle-Neveu, 2012: 13) شعب دیوان کشور فرانسه را وادار به تعدیل برخی از آثار سلبی این اصل نمود.

۳-۱- تأثیر اوضاع و احوال جدید در تجویز دعوای ثانوی

مطابق برخی آرای دیوان کشور فرانسه، دعوای ثانوی تنها در صورتی با قرار عدم استماع مواجه می‌شود که شرایط و اوضاع و احوالی که منتهی به صدور رأی اولیه شده، در زمان طرح دعوای ثانوی، یکسان ارزیابی شود. بنابراین، چنانچه وقایع بعدی، اوضاع و احوال حاکم در زمان صدور رأی پیشین را تغییر داده باشد، طرح دعوای مجدد با مانعی روبه‌رو نیست؛ برای نمونه، چنانچه پس از صدور رأی در رابطه با دعوای اولیه، حقوق جدیدی برای محکوم‌علیه ایجاد شده باشد، طرح مجدد دعوا با مانعی روبه‌رو نیست؛ (شعبه دوم مدنی دیوان کشور، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰) همین شعبه در رأی دیگر اعلام نموده است که «اعتبار امر مختومه، در فرضی که حدوث اوضاع و احوال جدید باعث تغییر شرایطی می‌شود که پیش از آن مورد شناسایی دادگاه قرار گرفته است، مانع از طرح مجدد دعوا نیست.» (شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۸; Callé et Dargent, 2017: 536)

البته تعیین مفهوم دقیق اوضاع و احوال جدید، به آسانی ممکن نیست. به نظر می‌رسد رویه قضایی فرانسه، بدون اینکه از لحاظ نظری، مفهوم دقیق این اصطلاح را روشن کند، در هر پرونده براساس شرایط خاص آن اظهار نظر می‌نماید. برای مثال، شعبه اول دیوان کشور فرانسه در رأی مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در تفسیر موسعی از اوضاع و احوال جدید، افزایش سن و کبر

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۱۷

متقاضی تغییر نام را از مصادیق اوضاع و احوال جدید قلمداد نموده است. در رأی آمده: «در دعوی تغییر نام، آنچه مورد نظر قاضی قرار می‌گیرد، بررسی مطابقت این تقاضا با منافع متقاضی است، این منافع ممکن است با تغییر اوضاع و احوال تغییر یابد، به خصوص با افزایش سن متقاضی.»^۱ در مقابل در پرونده دیگری همین شعبه مقرر نموده است که: «امتناع از اجرای رأی قطعی، موجد اوضاع و احوال جدیدی نیست که مانع از اعمال قاعده اعتبار امر مختومه شود.» (شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه، ۴ دسامبر ۲۰۱۳; Callé et Dargent, 2017: 536)

۳-۲- تفسیر مضیق از مفهوم «موضوع دعوا»

شعب دوم و سوم مدنی دیوان کشور، در آرای پایبندی خود را به مفهوم مضیق موضوع دعوا نشان داده‌اند. به این ترتیب، بدون ورود به بحث سبب، از طریق متفاوت تلقی نمودن موضوع دعوا، طرح مجدد دعوا را ممکن ساخته‌اند. در همین راستا، موضوع دعوی مطالبه اجرای قرارداد بیمه، با دعوی مطالبه خسارت از شرکت بابت قصور در ارائه مشاوره، یکسان تلقی نشده است. (شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۰ نوامبر ۲۰۱۰) دعوی استرداد، دارای موضوع متفاوتی با دعوی تفکیک تشخیص داده شده است؛ (شعبه سوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۰ نوامبر ۲۰۰۹) همچنین مطالبه بطلان قرارداد به دلیل تدلیس، مانع طرح دعوی مطالبه کاهش ثمن در رابطه با تدلیس نشده است. (شعبه سوم مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۲) به این ترتیب، شعب دوم و سوم دیوان کشور فرانسه، با توسل به مفهوم موضوع دعوا، از اعمال اصل تجمیع اسباب موجهه امتناع نموده‌اند. (Guinchard, 2014: 774) به این ترتیب، با تفاوت موضوع دو دعوا نوبت به بررسی وحدت سبب دو دعوا برای تحقق اعتبار امر مختومه نمی‌رسد.

۱. در حقوق ایران نیز می‌توان صدور آرای مشابهی را ملاحظه نمود؛ برای نمونه، شعبه ۴۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، در دادنامه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۶ مقرر نموده است: «چنانچه موضوع خواسته خواهان، پیش‌تر تغییر نام کوچک به ساره، ولی در دعوی جدید، خواهان تغییر نام به سارا باشد، دعوی جدید تغییر نام، مشمول اعتبار امر قضاوت شده نمی‌شود.» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: ۳۰۰)

۴- اصل تجمیع اسباب در حقوق ایران

در قوانین ایران، هیچ نشانی از لزوم وحدت سبب در تحقق اعتبار امر مختومه به چشم نمی‌خورد. در بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و بند ۴ ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، تنها به طرفین واحد در دعوی واحد اشاره شده است. به همین خاطر، رویه قضایی، اغلب بی‌اعتنا به لزوم وحدت سبب در تحقق اعتبار امر مختومه، با وحدت موضوع و طرفین، دعوی ثانوی را محکوم به رد می‌داند. دکترین نیز تلاش نموده تا با تعبیرهای مختلف، سبب را به موضوع دعوا الحاق نماید تا از این طریق دعوی با سبب متفاوت را دارای موضوع متفاوت قلمداد نماید. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۴) اما این نظریات در رویه قضایی تأثیری نگذاشته، بلکه در محاکم، به‌صرف وحدت طرفین و موضوع دعوا، قاعده اعتبار امر مختومه بر دعوی ثانوی حاکم می‌شود. از آنجا که نتیجه استقرار اصل تجمیع اسباب موجهه در حقوق فرانسه، کنار گذاردن وحدت سبب از شرایط تحقق اعتبار امر مختومه بوده است؛ شاید با مسامحه بتوان گفت که اصل تجمیع اسباب در رویه قضایی ایران، از ابتدای تشکیل دادگستری نوین، بر اعمال قاعده اعتبار امر مختومه حاکم بوده است.

۴-۱- اصل تجمیع اسباب در دکترین

در اغلب آثار حقوقی، اتحاد سبب، یکی از شرایط سه‌گانه تحقق اعتبار امر مختومه، تلقی شده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۳؛ شمس، ۱۳۸۱: ۱ / ۴۸۶؛ متین دفتری، ۱۳۸۱: ۲ / ۶۱) استاد دکتر کاتوزیان، مبنای قانونی لزوم اتحاد سبب در تحقق اعتبار امر مختومه را جایگاه سبب استحقاق (مورد اشاره در بند ۱ ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی مدنی سابق)، به‌عنوان رکن دعوا می‌داند؛ «به بیان دیگر، موضوع هر دعوا مجموعه اصل حق و جهات و مبنای آن است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۴) مطابق این تفسیر، با تغییر جهات و مبنای حق، موضوع دعوا تغییر نموده و دعوی جدید با ایراد اعتبار امر مختومه مواجه نمی‌شود. بر این مبنای تغییر مبنای استحقاق، طبیعت حقوقی مسئله مورد نزاع را تغییر می‌دهد، چندان که می‌توان گفت دعوی تازه‌ای مطرح شده است؛ به‌عنوان نمونه ذکر شده است که اگر مبلغی به‌عنوان اجاره‌بها مطالبه شود، اما وجود قرارداد اجاره احراز نشده و این دعوا رد گردد، خواهان می‌تواند پس از

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۱۹

آن، براساس اجرت المثل منافع استیفاء شده توسط متصرف، این مبلغ را مطالبه نماید.

استاد کاتوزیان، شرط وحدت سبب را در رابطه با دفاعیات خواننده نیز مجرا می‌دانند، به این معنی که خواننده نیز می‌تواند بعد از محکومیت در مقابل خواهان، براساس دفاعی جدید، اقامه دعوا نموده و نادرستی حکم صادر شده را نشان دهد. البته ایشان اضافه می‌کنند که «چون حکم، متضمن حق قطعی مدعی است، خواننده باید برای حفظ حقوق خود از تمام وسایلی که در اختیار دارد در دادرسی استفاده کند.» (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۵) البته در جمله اخیر روشن نیست که خواننده باید در دعوی اولیه همه دفاعیات خود را مطرح نماید یا می‌تواند ضمن چند دادرسی این دفاعیات را مطرح کند؟ همین تردید در جایگاه وحدت سبب در تحقق قاعده اعتبار امر مختومه، در رویه قضایی ایران نیز قابل مشاهده است.

۴-۲- اصل تجمیع اسباب در رویه قضایی

استدلال طرح شده در رأی وحدت رویه شماره ۳۷۴۶ مورخ ۱۳۳۸/۸/۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که استاد دکتر کاتوزیان در کتاب اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، متن آن را نقل نموده‌اند، عیناً منطبق با اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا است. در این رأی، وزارت دارایی، به‌عنوان خواننده دعوی مدعیان مالکیت املاک منتسب به خاندان طاغوت، محکوم می‌شود، اما پس از آن به‌عنوان نماینده دولت، اقامه دعوا نموده و املاک موضوع دعوا را جزء اراضی خالصه و متعلق به دولت معرفی می‌کند. دادستان کل کشور نظر به آن دارد که دعوی مزبور دارای سبب متفاوت است و بنابراین، مشمول بند ۴ ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق نیست. در مقابل، هیئت عمومی دیوان عالی کشور، به این استناد که در دعوی اول هم ادعای خالصه بودن ملک موضوع دعوا، قهراً ملحوظ بوده است، موضوع را مشمول قاعده اعتبار امر مختومه تلقی و در نتیجه دعوی دوم را غیر قابل استماع اعلام می‌نماید. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۶-۲۷۷) همان‌گونه که در کتاب مورد اشاره، استنباط شده است، مطابق رأی دیوان: «مدعی علیه باید به تناسب مفاد ادعا هر دفاعی را که ضروری می‌داند، بکند و نمی‌تواند به این بهانه که سبب جدیدی را مستند قرار می‌دهد، حکمی را که به زیان او صادر شده است مورد حمله قرار دهد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۷۸)

به موجب این رأی، خواننده ملزم شده است تا به تمام قوانینی استناد نماید که ممکن است در عدم استحقاق خواهان مؤثر باشد؛ درحالی که در حقوق ایران، طرفین دعوا الزامی به مورد استناد قرار دادن جهات حکمی دعوا ندارند. (شمس، ۱۳۸۱: ۲ / ۴۸) روشن است که قرار دادن این تکلیف برعهده اشخاصی که فاقد اطلاعات حقوقی هستند (باتوجه به عدم الزام به حضور وکیل در دعاوی مدنی در حقوق ایران)، تا چه حد می تواند به صدور احکام مخالف قانون بینجامد؛ احکامی که قاعده اعتبار امر مختومه، به طور مطلق و نامحدود از آن حمایت می کند.

در رأی دیگر، شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور، طرح دعاوی متعدد براساس اسباب متفاوت را نپذیرفته است. در این پرونده، دعوای مالک در رابطه با مطالبه اجاره بها در ابتدا رد می شود. پس از آن، مالک در دعوایی دیگر، با توجه به انتقال منافع ملک توسط خواننده به شخص ثالث، تقاضای استرداد مبالغ دریافتی توسط خواننده در معامله فضولی را مطرح می نماید. شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۲۱/۹۷۱ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۵ مقرر می دارد: «چون نسبت به اجاره بهاها فروردین ۱۳۵۹ لغایت فروردین ۱۳۶۱ حکم ماهیتی شماره ۶۷۲-۱۳۶۱/۸/۲ شعبه ۱۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران صادر شده، مطالبه مجدد اجور مدت مذکور، ولو با تغییر نحوه مطالبه، مجوز قانونی ندارد. موضوع از مصادیق اعتبار امر مختومه موضوع بند ۴ ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی (بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) است.» (بازگیر، ۱۳۹۲: ۲۲۲)

در آرای دادگاه های تجدیدنظر نیز این رویه قابل مشاهده است؛ برای نمونه، شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان، دعوای ورثه فروشنده مبنی بر عدم نفوذ قرارداد به دلیل اکراهی بودن آن را در فرضی که خریدار ملک، پیش از آن در دعوای بطلان تقسیم ترکه میان ورثه فروشنده، پیروز شده، مشمول اعتبار امر مختومه دانسته است؛ با این استدلال که دادگاه برای پذیرش دعوای نخست، ملزم بوده تا همه جهات، از جمله اکراهی نبودن معامله را احراز نماید. (شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان، دادنامه شماره ۸۷۱۱۰۰۸۶۷ در پرونده کلاس ۸۷۰۶۲۶) (عموزاد مهدیرجی، ۱۳۹۵: ۵۳۰) همین شعبه در پرونده ای دیگر، پذیرش

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۲۱

تقاضای تعدیل اجاره‌بها را مستلزم احراز رابطه استیجاری نیز دانسته است. بنابراین، با صدور حکم بر پذیرش تقاضای تعدیل اجاره‌بها، دعوای ثانوی را مبنی بر تعرض به صحت قرارداد اجاره، غیر قابل پذیرش اعلام نموده است. در این رأی آمده است: «رسیدگی به دعوای تعدیل و صدور حکم به آن، متضمن رسیدگی و احراز رابطه استیجاری نیز هست ...؛ بنابراین ... دعوای مطروح در دادرسی مرحله بدوی و در این پرونده، قابلیت استماع ندارد.» (شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان، دادنامه شماره ۹۰۰۱۴۴ در پرونده کلاسه ۸۹۰۴۱۱) (عموزاد مهدیرجی، ۱۳۹۵: ۵۲۸) در رأی دیگر، دادگاه تجدیدنظر استان تهران، در رابطه با دعوای بطلان مبایعه‌نامه مؤخر به استناد مبایعه‌نامه مقدم، صدور حکم بر اعتبار مبایعه‌نامه مؤخر را مانع طرح این دعوا دانسته است، هرچند خریدار مبایعه‌نامه مقدم، اصولاً در دعوای منتج به اعتباربخشی به مبایعه‌نامه مؤخر، طرف دعوا نبوده باشد. مطابق این رأی: «برابر مندرجات دادنامه شماره ...، حکم به تفیذ مبایعه‌نامه عادی مورخ ۸۱/۱۱/۲۱ و صحیح بودن عقد بیع موضوع سند مذکور که دلالت بر فروش ملک موضوع دعوا از ناحیه تجدیدنظر خوانده ردیف دوم به تجدیدنظر خوانده ردیف اول دارد، صادر شده است. ... چون احکام یاد شده از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار است و برای سایر محاکم لازم‌الاتباع است ...، بیع‌نامه موضوع آن‌ها و اسناد رسمی که متعاقب این احکام تنظیم شده، از اعتبار قانونی برخوردار است و اصولاً دعوای بطلان چنین اسنادی در دادگاه قابلیت استماع ندارد.» (شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران، رأی شماره ۹۱۰۷۴۴ مورخ ۱۳۹۶/۶/۱۲) (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۶). چنانکه ملاحظه می‌شود، در هیچ‌یک از آرای بالا، وحدت سبب، شرط تحقق قاعده اعتبار امر مختومه دانسته نشده است.^۱

۱. در اینجا لازم است توضیح داده شود که تجویز طرح مجدد دعوا در رابطه با احکام حدوثی، مانند حکم اعسار، غسر و حرج منجر به طلاق یا ضرورت تغییر نام کوچک، توسط رویه قضایی ایران (نک: مجموعه نشست‌های قضایی، ۱۳۹۲: ۹۴۳ به بعد)، دلیل بر امکان طرح دعوای جدید بر اساس اسباب جدید در حقوق ایران نیست؛ توضیح آنکه در دعوای حدوثی، با تغییر اوضاع و احوال، موضوع دعوا تغییر می‌یابد و عدم تحقق اعتبار امر مختومه نیز به استناد موضوع جدید است و نه اسباب جدید.

نتیجه‌گیری

لزوم وحدت سبب دعوای جدید با دعوایی که نسبت به آن رأی قطعی صادر شده است، برای تحقق قاعده اعتبار امر مختومه، جایگاه مهمی در قوانین آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه داشته است. درست است که در قانون جدید و قدیم آیین دادرسی مدنی ایران، نامی از وحدت سبب برده نشده است، اما شاید ناخواسته، به دلیل جایگاه این شرط در حقوق فرانسه، آثار مهمی از آن وارد قوانین دادرسی مدنی ایران شده است. در واقع، بسیاری از مقررات قانون آیین دادرسی مدنی ایران، با این منطق وضع شده است که اعتبار امر مختومه صرفاً ناظر بر آرای باشد که از جمله دارای وحدت سبب هستند. اینکه خواهان باید دعوای خود را مبتنی بر سببی خاص نماید و تنها تا پایان اولین جلسه رسیدگی، امکان تغییر این سبب را داشته باشد (ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی)، با این فرض معنا دارد که صدور حکم قطعی براساس سببی خاص، مانع از طرح دعوا براساس سبب دیگر نمی‌شود. اینکه تجدیدنظرخواه، نمی‌تواند ادعای جدیدی را در مرحله تجدیدنظرخواهی مطرح نماید، با این فرض موجه است که در صورت عدم کامیابی در اثبات سبب مورد استناد خود، بتواند در دعوایی دیگر به این سبب استناد نماید. در غیر این صورت، طرفین دادرسی باید قادر باشند در هر مرحله، به تمام اسبابی که ممکن است در اثبات ادعای آنان مؤثر باشد، استناد نمایند.

به دلیل عدم سازگاری اصل تجمیع اسباب موجهه با کلیت مقررات آیین دادرسی مدنی، برخی حقوق‌دانان فرانسوی اعتقاد دارند که این اصل تنها با ورود به قانون آیین دادرسی مدنی و اعمال تغییرات متناسب با آن در مقررات مختلف این قانون، قابلیت اجرایی می‌یابد.

(Strickler, 2011: 185; Donnier, 2016: 147; Bléry, 2010: 2)

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، حذف شرط وحدت سبب از شرایط سه‌گانه تحقق اعتبار امر مختومه، در حقوق ایران و فرانسه، با دلایل کاملاً متفاوت، واقعیتی عینی است که باید راه‌حلی برای آن یافت. البته شکی نیست که بهترین راه‌حل، بازگشت به احکام سنتی قاعده اعتبار امر مختومه است. با توجه به اهمیت این شرط در حفظ یکپارچگی نظام آیین دادرسی مدنی، رویه قضایی می‌تواند با استفاده از تجربیات حاصل از اجرای اصل تجمیع اسباب

مطالعه تطبیقی اصل تجمیع اسباب موجهه دعوا در حقوق ایران و فرانسه / کریمی و دیگران ۲۳

موجهه دعوا در نظام قضایی فرانسه، از آثار نامطلوب بی‌توجهی قانونگذار ایران به شرطیت وحدت سبب در تحقق اعتبار امر مختومه، بکاهد. در این راستا ملاحظه شد که رویه قضایی فرانسه، با تفسیر مضیق از موضوع دعوا، توانسته در بسیاری موارد طرح دعاوی جدید با اسباب موجهه جدید را تجویز نماید. مطابق این تفسیر، رویه قضایی فرانسه، بدون ورود به بحث سبب، با متفاوت تلقی نمودن موضوع دعوا، طرح مجدد دعوی واحد را ممکن ساخته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

- بازگیر، یدالله (۱۳۹۲)، تشریفات آیین دادرسی مدنی در آئینه آرای دیوان عالی کشور، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوسی.
- پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۳۹۳)، آرای قضایی شعب دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) - شهریور ۱۳۹۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۳۹۶)، آرای قضایی شعب دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) - بهار ۱۳۹۳، چاپ اول، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، چاپ سوم و اول، تهران: میزان.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۳)، «سبب، امور موضوعی و توصیف آن‌ها در دعاوی مدنی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۶۵، صص ۱-۲۴.
- عموزاد مهدیرجی، رضا (۱۳۹۵)، ایرادات قضایی بر نحوه طرح دعاوی حقوقی، چاپ سوم، تهران: نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، اعتبار امر قضاوت شده در دعاوی مدنی، چاپ پنجم، تهران: نشر دادگستر.
- متین دفتری، احمد (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، تهران: مجد.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۹۲)، مجموعه نشست‌های قضایی: مسائل آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جاودانه.

الف-۲: لاتین

- Callé, Pierre & Laurent Dargent (2017). *Code Civile*, Paris: Dalloz.
- Cornu, Gérard & Jean Foyer (1996). *Procédure civile*, Paris: PUF.
- Croze, Hervé & Christian Morel (1988). *Procédure civile*, Paris: Press Universitaire de France.

- De Leval, George (2005). *Eléments de procédure civile*, Bruxelles: Larcier.
- Guinchard, Serge; Cécile Chainais & Frédérique Ferrand (2014). *Procédure civile: Droit interne et droit de l'Union européen*, 32^e éd, Paris: Dalloz.
- Larguier, Jean; Philippe Conte & Christophe Blanchard (2010). *Droit judiciaire privé: procédure civile*, 20^e éd, Paris: Dalloz.
- Blondel, Philippe (2012). "La charge de la concentration et le respect d'un principe de complétude", *JCP*, 9 avr, 2012, pp. 746-753.
- Bléry, Corrine (2010). "Question prioritaire de constitutionnalité, jurisprudence *Cesareo* et office du juge: impossible conciliation", *LexisNexis*, 10 juin 2010, n° 6, pp. 124-137.
- Bolard, George (2010). "L'autorité de chose jugée et les principes directeurs du procès", in : *Mélanges Sawczuk*, pp. 62-68.
- Charle-Neveu, Brigitte (2012). "Principe de concentration des moyens et avocats: un dangereux consensus", *Gaz. Pal.*, 17 avril 2012, pp. 340-346.
- Deshayes, Olivier (2008). "L'office du juge à la recherche de sens", *Recueil Dalloz*, n° 16, chroniques, pp. 1102-1109.
- Donnier, Anne (2015). "La concentration des moyens est conforme à la convention européenne de sauvegarde des droits de l'homme", *Lexbase la lettre juridique*, 28 mai 2015, pp. 1-3.
- Donnier, Anne (2016). "Faut-il codifier le principe de concentration des moyens dans le Code de procédure civile? "in 40^{ème} anniversaire de Code de procédure civile", pp. 240-248, Paris: Panthéon-Assas.
- Gautier, Pierre-Yves (2008). "La faculté pour le juge de soulever d'office un moyen de droit et la protection effective de l'acheteur", *RTD*, pp. 174-177, Paris : Dalloz Revues.
- Grandjean, Jean (2013). "Réflexions d'un praticien sur le principe de concentration des moyens", *Gaz. Pal.* 9 mars, 2013, pp. 21-25.
- Guinchard, Serge (2009). "L'autorité de la chose qui n'a pas été jugées à l'épreuve des nouveaux principes directeurs du procès civil", *Mélange G. Wiederkehr*, Paris: Dalloz.
- Kebir, Mehdi (2014). "Application au défendeur du principe de concentration des moyens", 22 mars 2014, *Actualité-Dalloz*, pp. 388-390.
- Marais, Astrid (2011). "Modulation dans le temps des revirements de jurisprudence", *Requiem, la Semaine Juridique*, 27 Juin 2011, n° 26, pp. 331-342.

- Strickler, Yves Christian (2011). “La concentration des moyens et la nouvelle procédure d’apple” in : *ARA Annual Congress Proceedings*, 35th ARA Congress, "POLITEHNICA" University of Timisoara, Romania, pp. 184-188.

